

## سبک‌شناسی لایه‌های سه‌گانه در مقتل تاریخی-ادبی سرالأسرار

محمدابراهیم مال میر\*، سحر یوسفی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

آبان ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۹۰، صص ۳۱۱-۲۹۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.4444

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** سرالأسرار، کتاب عاشورایی ارزشمندی است که در تاریخ و ادبیات فارسی مغفول مانده است. سرالأسرار نام مقتلی تاریخی-ادبی به زبان فارسی است که بعد از مرگ مؤلف، با همت پسرش به اتمام رسیده است. نویسنده اول کتاب، شیخ عبدالرحیم جلیلی کرمانشاهی از نویسندگان عالم دوره ناصری است که تألیفات ارزشمند اما کمترشناخته‌شده‌ای دارد. فرزندش، آیت‌الله محمدهادی جلیلی، نیز از نویسندگان عالیقدر روزگار خود بود که مقتل الحسین پدر را به پایان رساند. از آنجا که هر یک از گونه‌های روایی، ویژگی‌های سبکی خاص خود را دارند و بررسی سبک‌شناسانه آنها، موجب شناخت بهتر این آثار است، هدف از انجام این پژوهش ضمن معرفی این اثر تاریخی-ادبی، بررسی سه منظر زبانی، فکری و ادبی آن است.

**روش مطالعه:** این نوشتار بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

**یافته‌ها:** مقتل سرالأسرار با وجود داشتن دو نویسنده، سبک نوشتاری یکسانی دارد. با وجود عربیدانی نویسندگان، نوع روایت زبانی ساده می‌طلبد. از همین روی نویسنده‌ها ضمن نشان دادن عربیدانشان، به ساده‌نویسی پایبند هستند و همین موضوع، ویژگی‌ها و شاخصه‌های متفاوتی به اثر بخشیده است؛ بنابراین خوانش سبک‌شناسانه این اثر، شناخت روشنی از سطوح چندگانه آن را نیز نمایان می‌سازد.

**نتیجه‌گیری:** این اثر، روایتی تاریخی و واقع‌گراست که ضمن برجستگی‌های زبانی و فکری، با آمیختن به شگردهای و شیوه‌های بلاغی، صیغه ادبی نیز یافته است. نثر این کتاب، بینابین است و ویژگی‌های برجسته زبانی واحدی در هر دو نویسنده وجود دارد. از لحاظ اندیشه با وجود وحدت فکری هر دو نویسنده، مضامینی مطرح می‌شود که نشان از استقلال فکری آنها نیز دارد. از منظر ادبی هم به ضرورت با شگردهای بلاغی می‌آمیزد و بیش از آنکه هدف زیبایی‌شناسانه داشته باشد، در خدمت روشن‌سازی و ترسیم فضای حوادث، شخصیت‌های روایی و احساس و افکار نویسندگان است.

تاریخ دریافت: ۱۰ مهر ۱۴۰۱  
تاریخ داوری: ۱۲ آبان ۱۴۰۱  
تاریخ اصلاح: ۲۸ آبان ۱۴۰۱  
تاریخ پذیرش: ۱۳ دی ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

سبک، سطح ادبی، سطح زبانی، سطح فکری، مقتل سرالأسرار.

\* نویسنده مسئول:

[dr\\_maalmir@razi.ac.ir](mailto:dr_maalmir@razi.ac.ir)

۳۴۲۷۷۶۰۵ (۹۸ ۸۳+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The stylistics of three layers in the historical-literary book Serr al Asrar

M. E. Malmir\*, S. Yousefi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 October 2022  
 Reviewed: 03 November 2022  
 Revised: 19 November 2022  
 Accepted: 03 January 2023

KEYWORDS

Style, literary level, Linguistic level, intellectual level, Maqal Serr al-Asrar

\*Corresponding Author

✉ [dr\\_maalmir@razi.ac.ir](mailto:dr_maalmir@razi.ac.ir)

☎ (+98 83) 34277605

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** The book of Serr al-Asrar is a valuable Ashura book that has been neglected in Persian history and literature. The book of Serr al-Asrar is one of these precious works. Serr al Asrar is the name of a historical-literary book in Persian language, which was completed after the death of the author, with the efforts of his son. Sheikh Abdul Rahim Jalili-Kermanshahi is one of the famous writers of the Nasser period, who has valuable but less known works. His son, Sheikh Mohammad Hadi Jalili, was also one of the great writers of his time who finished his father's Ashurai book. Each of the narrative types has its own stylistic features, and their stylistic analysis leads to a better understanding of these works. The purpose of conducting this research is to introduce this historical-literary work and examine its three aspects: linguistic, intellectual and literary.

**METHODOLOGY:** This article is based on library studies in a descriptive-analytical way.

**FINDINGS:** The findings show that the book of Serr al-Asrar has the same writing style despite having two authors. Despite the Arabic knowledge of the authors, the type of narration requires simple language. Therefore, while showing their knowledge of Arabic, the authors adhere to simple writing, and this issue has given the work different features and indicators. Therefore, the stylistic reading of this work shows a clear understanding of its multiple levels.

**CONCLUSION:** This work is a historical and realistic narrative, which, in addition to its linguistic and intellectual highlights, has acquired a literary flavor by mixing with rhetorical tricks. The prose of this book is intermediate and there are prominent features of a single language in the language of both authors. In terms of thought, despite the intellectual unity of both authors, themes are raised that show their intellectual independence. From a literary point of view, it is necessarily mixed with rhetorical techniques and more than having an aesthetic purpose, it serves to clarify and depict the atmosphere of events, narrative characters, and the feelings and thoughts of the writers.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.4444](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.4444)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 <b>23</b>	 <b>0</b>	 <b>3</b>

### مقدمه

مقتلها، روایت‌های تاریخی از واقعه عاشورا و از شاخه تاریخ‌نگاری اسلامیند. کتاب «سرالأسرار فی مصیبه ابي الأئمة الأطهار (ع)» از جمله این مقاتل است. این مقتل نوشته آیت‌الله عبدالرحیم جلیلی کرمانشاهی، عالم برجسته روزگار خود، بود که با مرگش کتاب خود را ناتمام گذاشت. فرزندش، آیت‌الله محمدهادی جلیلی، که او نیز خود از عالمان کتابشناس روزگار خویش بود، کتاب را کامل کرد. این اثر گرانبها به سبب در دسترس نبودن نسخه خطی و تصحیح چاپ‌نشده آن، کمتر شناخته شده است. از سویی سبک‌شناسی از حوزه‌های برجسته و کارآمد در مطالعات اخیر است. خواندن متنهای تاریخی-ادبی نظیر مقتل در پرتو دانش سبک‌شناسی، درک روشن و شناخت بهتری از متون ارائه میدهد. انتخاب مقتل سرالأسرار بعنوان منبع پژوهش، در شناساندن نسخه خطی مقتل مغفول، مؤثر است. ضمن آن میتوان با بررسی ویژگیهای سبکی اثر، مختصات سبکی آن را تبیین ساخت. این نوشتار میکوشد به این پرسشها پاسخ دهد که کتاب سرالأسرار از لحاظ نوع زبان و درک مطلب چه سبکی و چه ویژگیهایی در سطوح زبانی، فکری و ادبی دارد؟

### ضرورت و سابقه پژوهش

نسخه‌های خطی که تا کنون تصحیح یا معرفی نشده‌اند، ظرفیتهای بالقوه تاریخی و ادبی بسیاری دارند. مقتلهای تاریخی نیز ضمن داشتن اصالت تاریخی، گاه صبغه ادبی نیز دارند. مقتل تاریخی-ادبی سرالأسرار علیرغم پختگی زبان و ذهن نویسنده و تفاوت‌های سبکی شاخص در پیشینه مقتل‌نویسی، مورد توجه قرار نگرفته است. پاره‌ای از این پژوهشهای پیشین در زمینه مقتل‌نگاری با تحقیقات سبک‌شناسی در پیوند است؛ از جمله حسینیان مقدم (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با رویکردی علمی-تحلیلی مقتلها را تا قرن سوم مطالعه کرده و پختگی کلام و آرای نویسنده‌گان را کاویده است. عسگری و رفعت (۱۳۹۵) در نوشتاری با رویکردی توصیفی-تحلیلی به انواع نگارش و سبک تعدادی مقتل پرداخته‌اند. در این نوشتار مقتلها از منظر سبک، واعظانه، فضیلت‌مدارانه و ادبیانه خوانده شده است. با این حال سطوح سه‌گانه سبک‌شناسی آثار در این نوشتار بررسی نشده‌اند. دیوسالار و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای بصورت موردی دو قصیده از وائلی و قیصر امین‌پور را از منظر سبک‌شناسی بررسی کرده‌اند. از آنجا که در پژوهشی به بررسی مقتل تاریخی-ادبی سرالأسرار پرداخته نشده، خلأ تحقیقاتی در این زمینه، ضرورت پژوهش حاضر را به اثبات میرساند.

### روش مطالعه

پژوهش حاضر بر اساس شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، از رویکرد سبک‌شناسی بهره گرفته تا به شیوه توصیفی-تحلیلی سطوح سه‌گانه در مقتل سرالأسرار را بکاود. برای انجام این پژوهش، نگارندگان ضمن معرفی نسخه خطی این مقتل، سطوح زبانی، فکری و ادبی مقتل مذکور را مطالعه، استخراج و تحلیل نموده‌اند.

### بحث و بررسی

درباره کتاب: مقتل «سرالأسرار فی مصیبه ابي الأئمة الأطهار (ع)» روایتی تاریخی درباره حادثه عاشورا است که در بخشهایی صبغه ادبی نیز یافته است. این کتاب دارای دو مقدمه و ذکر مقتل است. مقدمه‌الاولی زمینه‌چینی برای ورود به ذکر مقتل است. مقدمه‌الثانی به ذکر بندگی و عبادت امام حسین (ع) میپردازد. بخش سوم ذکر مقتل

است که ده مطلب (فصل) دارد؛ از فصل اول که دشواریهای شیعیان در زمان معاویه را شرح میدهد تا فصل دهم که مقدمات و حوادث خروج اهل بیت از شام تا وصول به مدینه را بیان میکند. در میان نسخه‌های خطی کتابخانه ملی نسخه‌ای با عنوان «سرالأسرار فی مصیبه ابي الأئمة الأطهار (ع)» و شماره کتابشناسی ملی «۲۵۲۱۱۴۹» با چاپ سنگی موجود است. تا آنجا که اطلاعات مبتنی بر تحقیقات نسخه‌شناسیهای چاپی و خطی نشان میدهد، فقط یک نسخه خطی از سرالأسرار آن عیناً گراور و بصورت سنگی چاپ شده است که نسخه‌های آن نیز نایاب است. نگارندگان این نوشتار از نسخه در دست چاپ مؤسسه شیفتگان کمال بهره برده‌اند که در آن مقتل مذکور تصحیح شده است.

مؤلف اصلی کتاب سرالأسرار آیت‌الله حاج شیخ عبدالرحیم جلیلی کرمانشاهی کرکوتی فرزند مرحوم آقاعبدالرحمان از مشاهیر و بزرگان مذهب تشیع بود که ۱۲۲۳ ه.ق. در کرمانشاه متولد شد. وی از اعظام فقها و مراجع تقلید دوره ناصری بود. از جمله آثار ارزشمند اوست: کشف‌الأسرار، الاثنی عشریه در حل مشکلات اخبار و احادیث، مجمع‌المسائل، دقایق‌الاصول، ارشادالانظار و مقتل سرالأسرار (الأمینی، ۱۳۸۴: ۳۷۳). آیت‌الله جلیلی در نیمه‌های کتاب (در بخش‌های پایانی مطلب پنجم) در سال ۱۳۰۵ ه.ق. به رحمت ایزدی پیوست. مؤلف دیگر و مکمل کتاب، آیت‌الله شیخ محمدهادی، فرزند مجتهد او بود که در سال ۱۲۸۸ ه.ق. در کرمانشاه متولد شد و سال ۱۳۷۵ ه.ق. به رحمت الهی پیوست (شریف رازی، ۱۹۷۳: ۳۶۴). از جمله تألیفات اوست: ارشادالانظار، الطهاره، رساله در القضاء، التعادل و التراجیح، رساله فی المشتق، و سرالأسرار (سبحانی، ۱۴۲۴: ۸۲۵).

**مقالات و منابع سرالأسرار:** مقتل سرالأسرار مقتلی تألیفی و تحقیقی است که نویسندگان بر آن بوده‌اند که بهترین و معتبرترین منابع را در نگارش مقتل خود به کار برند. در کتاب مذکور ارجاعات بسیاری به مقتلهای متعدد در اعصار مختلف وجود دارد. نویسندگان از منابع کثیری نظیر مقتل ابومخنف، الإرشاد، تاریخ طبری، و الأمالی بهره برده‌اند تا گزارشی تحقیقی و تألیفی مستند ارائه دهند. در ادامه به این منابع اشاره میشود. *مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ*، نخستین مقتل درباره واقعه عاشورا اثر ابومخنف الغامدی الأزدی است که در قرن دوم هجری نوشته شده است. این مقتل بنا به شهرت نویسنده‌اش، به مقتل ابومخنف مشهور است. ابومخنف در نگارش مقتل خود از راویان در صحنه و راویان دور از صحنه بهره گرفته است. این مقتل گزارشی که به شیوه کلامی-روایی است از منابع برجسته و پرتکرار در تألیف مقتل تحقیقی-تحقیقی سرالأسرار نیز به شمار میرود. از دیگر منابع ارزشمند در تألیف این مقتل میتوان به مقتلهای گزارشی زیر اشاره داشت.

کتاب *الْإِرْشَادُ فِي مَعْرِفَةِ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ* معروف به الإرشاد کتابی به زبان عربی از شیخ مفید است. این کتاب در قرن دوم هجری تألیف شده است. نویسنده در این کتاب، با ذکر سند، مانند یک کتاب‌نگار عمل کرده و به بیان حوادث تاریخی امامان شیعه پرداخته است. باب سوم این کتاب درباره فضایل امام حسین (ع) و ذکر مقتل ایشان است. *تاریخ الرسل و الملوک*، معروف به *تاریخ طبری* اثر محمدبن جریر طبری در قرن سوم است. در کتاب تاریخ طبری وقایع به زبان عربی و بصورت سالشمار شرح داده شده است. در این کتاب حوادث عاشورایی نیز با نگاهی روایت شده است. *الأمالی* اثر شیخ صدوق در قرن چهارم هجری است. این مقتل به زبان عربی حاصل جلسات متعدد شیخ صدوق است که برای شاگردانش املا کرده و آنها نوشته‌اند. این کتاب شامل دسته‌ای از احادیث نبوی و اهل بیت (ع) در موضوعات مختلف از جمله واقعه تاریخی عاشورا است. مقتل مشهور *اللهوف (ملهوف) علی قتل الطفوف* اثر ابن طاووس در قرن ششم هجری است. ابن طاووس از علمای بزرگ امامیه است و این اثر را در قالب مرثیه بیان کرده است. *مناقب آل ابي طالب* مشهور به *المناقب* نوشته محمدبن علی بن شهر آشوب سروی است.

این کتاب در قرن ششم هجری به زبان عربی تألیف شده و در جلد چهارم آن، واقعه کربلا با بیانی روایی ذکر شده است.

کتابهای بحارالأنوار و جلاء العیون از آثار ارزشمند علامه محمدباقر مجلسی در قرن یازدهم به زبان فارسی است. در مقتل بحارالأنوار وقایع عاشورایی گردآوری شده است. کتاب جلاء العیون به روش کلامی-روایی تألیف شده و باب پنجم آن در بیان تاریخ ولادت و شهادت حضرت سیدالشهداست. المنتخب تألیف فخرالدین طریحی نجفی در قرن یازدهم است. این کتاب به شیوه تاریخننگاری نوشته نشده و مجموعه‌ای از احادیث و اشعار درباره امام حسین (ع) را در بر میگیرد. مُحَرِّقُ الْقُلُوبِ نیز اثر محمد مهدی نراقی در قرن دوازدهم هجری است که مؤلف در مجالس متعدد، حوادث عاشورایی را بیان کرده است. از دیگر منابع سرالأسرار میتوان به روضه الصفا میرخواند، کامل-الزیارات ابن قولویه قمی، العوالم عن المناقب جابر الانصاری، إعلام‌الوری الشیخ الطبرسی، معالم‌الزلفی سید هاشم بحرانی، الخرائج و الجرائح و الدعوات از قطب‌الدین راوندی اشاره داشت. در این میان میتوان به روایتیایی ذکر شده از محمد بن جعفر بن نمای حلی، ابن ابی هند ابوبکر داوود، ابن سعید نهشلی، مفضل بن عمرو، قدامه بن زاید، جابر بن یزید جعفی، ضحاک بن عبدالله، و زید بن ارقم اشاره داشت که در شمار دیگر منابع و روایات مقتل سرالأسرار هستند.

### ویژگیهای سبکی کتاب

در مجموع برای بررسی متنی از لحاظ سبک‌شناسی باید روشی را برگزینیم و «از ساده‌ترین و در عین حال عملی‌ترین راه‌ها این است که متن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات مورد دقت قرار دهیم» (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵۳). سبک‌شناسان نیز سبک را از دیدگاه‌های مختلفی بر حسب نام افراد، درک مطلب، نوع زبان و موضوع آن بررسی میکنند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳). بر اساس این تقسیم‌بندی، مقتل سرالأسرار از لحاظ درک مطلب، سبکی بینابین دارد و از لحاظ نوع زبان، به سبک گزارشی-توصیفی است. از منظر موضوعی نیز در سبک مذهبی-تاریخی جای میگیرد که در ادامه شرح داده میشوند.

### سطح زبانی

سطح زبانی از سطوح سه‌گانه در سبک‌شناسی است و نمیتوان انکار داشت که «یکی از جنبه‌های مهم سبک بیگمان کیفیتهای شکلی سخن است» (عبادیان، ۱۳۶۸: ۴۷)؛ به بیان دیگر «سبک در قالب جنبه‌های اصطلاحاتی و طرز بیان در زبان شکل میگیرد» (ژنت، ۱۳۹۲: ۱۷۵). از منظر درک مطلب، نثر این کتاب در سبک بینابین میگنجد؛ زیرا نثر بینابین «نثری است که نه‌چندان ساده است و نه چندان دشوار» (شمیسا، ۱۳۹۲: ۲۵۶) یا عبارتی دیگر میتوان از این گونه نثر با عنوان «نثر مرسل مغلق» یاد کرد که در تعریف آن آمده: «نثر مرسل مشکل یا مغلق که عبارت است از نثری که به دلیل استفاده از واژه‌های عالمانه و متعلق به خواص و جملات و ترکیبات عربی و دریافت معنی شعر، جز برای اهل و خواص به آسانی مسیر نیست» (رستگار فسایی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

از منظر نوع زبان، مقتل مذکور ترکیبی از نثر گزارشی-توصیفی است. همانگونه که در تعریف مقتل در اصطلاح تاریخننگاری آمده: «نوعی نگاشته تاریخی است که جریان شهادت امام حسین (ع) و واقعه کربلا را از آغاز تا پایان شرح میدهد» (عسگری و رفعت، ۱۳۹۹). نثر گزارشی نیز بر پایه «شرح یا توضیح جزئیات وضعیت و موقعیت یا واقعه‌ای است» (رستگار فسایی، ۱۳۸۹: ۲۷۸) و اصولاً نثرهای نقلی و وصفی هم «از حیث سبک، در حد فاصل

نثرهای ساده علمی و نثرهای متکلف فنی قرار دارد» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۴۳۱). آثار تاریخی هم با گونه‌های نثر گزارشی بیان میشوند که متناسب با موضوع، طبیعاً به زبان ساده نزدیکتر هستند (همان: ۴۳۲). استفاده از زبان عربی به شکلهای مختلف در آثار مختلف و از جمله مقاتل با هدف تأیید و تأکید کلام، تأثیرگذاری بر مخاطب و گاه زینت کلام می‌آید (همان: ۱۹۸). از ویژگیهای نثر بینابین هم میتوان به اطناب، توصیف، استشهاد و تمثیل، تقلید از نثر تازی، و استعمال لغات تازی، لغات و افعال فارسی اشاره کرد (شمیسا، ۱۳۹۲: ۶۳-۵۹). در ادامه ویژگیهای ظهوریافته در مقتل سرالأسرار بررسی میشود؛ اما در این میان آنچه بیش از پیش، نثر مقتل مذکور را از زبان مرسل دور ساخته، پیوند آن با زبان عربی است. این پیوند، به شکل کلمات و عبارتهایی در قالب نظم و نثر نمود یافته است که عبارتهای عربی، گفتگوی اشخاص، خطبه‌ها یا مواضع، اشعاری در وصف وقایع و رجزخوانی و استشهاد به آیات و احادیث را در بر میگیرد؛ نظیر: «از فراق حضرت حسین (ع) به گریه افتاد و شروع به خواندن این ابیات نمود:

جَزَى اللّٰهُ عَنَّا قَوْمَنَا شَرَّ مَا جَزَى  
شَرَّارَ الْمَوَالِي بَلْ أَعْتَقَ وَ أَظْلَمَ

.... خدا جزا دهد قوم ما را بدتر جزایی که، به بدترین موالی و بدترین ظلمه میدهد» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا، بیت ۱).

سبک‌شناسان سطح زبانی را به سطوح کوچکتر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم میکنند. در سطح آوایی یا موسیقایی به موسیقی بیرونی نظیر انواع سجع و جناس میپردازند. در سطح لغوی، کلمات، سبک‌شناسی میشوند و در سطح نحوی، به سبک‌شناسی جملات میپردازند. در این سطح اخیر است که با بررسی ساختههای غیرمتعارف در محور همنشینی، به ویژگیهایی نظیر کاربردهای کهن دستوری میپردازند (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵۵-۱۵۳). در ادامه این سطوح در مقتل مذکور بررسی میشوند.

**سطح آوایی:** همانطور که پیش از این ذکر شد، در سطح آوایی به ابزار موسیقی‌آفرین در کلام توجه میشود. هر چند ابزارهای متنوعی در ایجاد موسیقی بیرونی کلام نقش دارند. در این بین نویسندگان مقتل مذکور از چند عنصر واج‌آرایی، سجع و جناس استفاده کرده‌اند تا با تأثیرگذاری بیشتر و زیبایی سخن، توجه مخاطب را جلب کنند. به سایر نموده‌های آوایی در کلام نویسندگان توجهی نشده است. در ادامه نمونه‌هایی بررسی میشوند. واج‌آرایی: واج‌آرایی از جلوه‌های موسیقایی مقتل مذکور است که هر دو نویسنده گاه در جهت تأثیر بر مخاطب و گوشنوازی عبارات از آن بهره برده‌اند. مثال نویسنده اول: «به روایتی شمر شریب به ابن‌زیاد بی‌دین نوشت» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا، ص ۱۹۸). مثال نویسنده دوم: «به سوی آسمانها و زمین و کوهها و دریاها و هر که در اینهاست» (همان، ص ۳۷).

جناس: جناس گونه‌های مختلفی دارد و آنچه نویسندگان در کاربست آن توجه ویژه داشته‌اند، «جناس ناقص اختلافی» است. مثال نویسنده اول: «آتش در خیام امام انام زدند» (همان، ص ۳۵۰). مثال نویسنده دوم: «از کثرت جزع و فزع غش نمود» (همان، ص ۳۵۶). نویسنده اول به دیگر گونه‌های جناس نظیر «جناس تام» نیز توجه داشته است: «خداوند عذاب ابن زیاد بدبنیاد را زیاد کند» (همان، ص ۱۹۱).

سجع: سجع بویژه «سجع متوازی» از دیگر نموده‌های موسیقایی مقتل مذکور است که هر دو نویسنده از آن بهره گرفته‌اند. نویسنده اول: «چون خداوند کریم خواست کلیم خود قرار دهد از برایش» (همان، ص ۷۷). نویسنده دوم:

«از کشته پشته میساخت» (همان، ص ۴۹۰)؛ اما انواع و کثرت سجع نزد نویسندگان اول بیشتر است؛ نظیر: «در قلوب وقع امر بهتر و از صمیم قلب و اعتقاد قبول نمودان ایشان خوشتر» (همان، ص ۷۹). سبک‌شناسان، سبک هر اثر را مانند شخصیت افراد منحصربفرد میدانند و بر این باورند که «شیوه صحبت و نگارش افراد متفاوت است و حتی وقتی محتوای پیام یکی است، افراد منظور خود را بطور کلامی با سبک‌های متمایز خودشان بیان میکنند» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۹)؛ بنابراین با وجود آنکه نزدیکی بسیاری در سبک نوشتاری هر دو نویسنده وجود دارد، در تحلیل سطوح مختلف به تفاوت‌های ممکن توجه شده است.

سجع	جناس	واج آرای	سطح فراوانی
۴۳٪	٪۳۸	٪۱۹	

جدول ۱: فراوانی سطح آوایی

### سطح لغوی

استفاده از لغات فارسی کهن: کاربرد کلمات نسبتاً قدیمی در متن مقتل، ویژگی است که دو نویسنده از آن بهره برده و صبغه کهنگرایی به اثرشان بخشیده‌اند.

نویسنده اول: زورآور: مسلط (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا، ص ۷۲)، دیده: چشم (همان، ص ۷۴)، هرآینه: به‌یقین (همان، ص ۷۸)، شدن: رفتن (همان، ص ۹۳)، خستن: زخمی کردن (همان، ص ۱۱۳)، سیاست: مجازات (همان، ص ۱۰۸)، لختی: پاره‌ای (همان، ص ۱۳۴)، اندیشه: ترس (همان، ص ۱۸۵)، جنگ‌گاه: میدان نبرد (همان، ص ۲۵۶).

نویسنده دوم: لختی: پاره‌ای (همان، ص ۳۵۲)، جنگ‌گاه: میدان نبرد (همان، ص ۳۷۰)، توبره: کیسه (همان، ص ۴۲۶)، دهشت: ترس (همان، ص ۴۴۲)، دولت: اقبال نیک (همان، ص ۵۰۰)، هرآینه: به‌یقین (همان، ص ۵۳۷) و...

استفاده از لغات دشوار عربی: هرچند وام‌واژگان عربی در زبان فارسی حضور چشمگیری در مقتل مذکور دارند؛ اما علاوه بر کلمات سهل، گاه لغات دشوار عربی در مقتل مذکور نمود یافته‌اند. در ادامه به تعدادی از این لغات و معنایشان اشاره میشود.

نویسنده اول: ربقه: اطاعت (همان، ص ۶۷)، عشق: عشق ورزیدن (همان، ص ۶۹)، استنصار: طلب یاری کردن (همان، ص ۷۱)، قنغد: خاریشت (همان، ص ۲۵۶)، جفنه: کاسه بزرگ (همان، ص ۲۱۲)، مستحفظ: نگهبان (همان، ص ۱۰۵).

نویسنده دوم: حنک: چانه (همان، ص ۳۱۳)، صهیل و محممه: بانگ اسب (همان، ص ۳۳۴)، احوال: جمع هول (همان، ص ۳۷۳)، تخویفات: جمع خواری (همان، ص ۴۸۸)، استخیال: طلب عاریت کردن (همان، ص ۴۹۶) و... . استفاده از جمع مکسر: از دیگر نمودهای زبان عربی در مدخل مذکور، کاربرد جمع مکسر لغات عربی است. دو نویسنده از جمع‌های مکسر بهره برده‌اند.

نویسنده اول: آجال: جمع اجل (همان، ص ۱۳۹)، مواتیق: جمع میثاق (همان، ص ۱۰۰)، خیام: جمع خیمه (همان، ص ۱۲۰)، ابدان: جمع بدن (همان، ص ۲۹۸) و...

نویسنده دوم: جهال و اراذل: جمع جاهل و رذل (همان، ص ۳۲۰)، احوال: جمع هول (همان، ص ۳۷۳)، خیام: جمع خیمه (همان، ص ۳۲۰) و...

کثرت لغات عربی: بی‌آنکه عبارات عربی را در نظر بگیریم، در مجموع میتوان گفت متن مقتل، نسبتاً ساده و روان است؛ اما هنگامی که در بعضی عبارات، با کثرت لغات عربی روبرو میشویم، درک معنا دشوار میشود. گاه دو نویسنده از لغات عربی به شکل پیاپی بهره میگیرند؛ برای نمونه نویسنده اول: «مجملاً قبایح اعمال این بی‌دین و آثار عدواتی که از او بالنسبه به اهل بیت طیبین و طاهرین بروز نمود، زیاده از آن است که در این مختصر بتوان ذکر نمود» (همان، ص ۶۵). نویسنده دوم نیز به این رویکرد توجه دارد: «پس از رسیدن به آنها چشمش بر جمال عدیم‌المثال حضرت زین‌السموات و الأرضین افتاد، گریان شد» (همان، ص ۴۴۷).

کاربرد کلمات در شکل نوشتاری ویژه: نویسنده اول بجای صفت شمارشی «سوم» چنین نوشتاری را به کار میبرد: «آن جناب سیم ماه شعبان سال شصتم از هجرت مکة معظمه را به نور قدوم خود منور فرمود» (همان، ص ۱۳۸). نویسندگان شکل نوشتاری «مرویست» را در معنای «روایت شده است» به کار برده‌اند: «از رجال شیخ کشی - علیه‌الرحمة مرویست» (همان، ص ۶۳) و «از اولیا مکرمه زینب خاتون مرویست که...» (همان، ص ۵۱۹). در سطح لغوی مقتل مذکور سبک یکسانی دارد و تفاوت نویسندگان در یک مورد زیر است: هنجارگریزی لغوی: نویسنده دوم کلماتی مشتق از واژه شاد ساخته که با گوش چندان آشنا نیستند؛ نظیر: بوقهای شادایانه (همان، ص ۴۳۱)، صدای شادایانه (همان، ص ۴۴۸)، استقبال و شادایانه (همان، ص ۴۳۷)، بوقهای شادمانه (همان، ص ۴۳۶).

### سطح نحوی

نشانه‌های سبک کهن: در پاره‌ای ویژگیهای نحوی مقتل مذکور، نشانه‌هایی زبانی وجود دارند که به متن صبغه کهنگرایی داده‌اند. در ادامه این نمونه‌ها بررسی میشوند: آوردن بای تأکید بر سر فعل ماضی: گاهی نویسندگان مقتل مذکور برای تأکید، حرف «ب» را به فعل ماضی افزوده‌اند. نویسنده اول: «زخمی به زن زد که بیفتاد» (همان، ص ۱۳۷). نویسنده دوم: «دهان ایشان بگرفت» (همان، ص ۳۸۷).

آوردن پیشوند نهی «م»: گاهی نویسندگان مقتل مذکور پیشوند نهی «م» را به پیشوند «ن» ترجیح داده‌اند. نویسنده اول: «این یتیم را آزار مرسان» (همان، ص ۱۳۷). نویسنده دوم: «از این مقدمه استبعاد مکن» (همان، ص ۳۵۴).

استفاده از «مر» بر سر مفعول: نویسندگان با کاربرد انواع «را» آشنا بوده و گاه از کاربردهای کهن این حرف بهره گرفته‌اند. دو نویسنده در جای‌جای اثرشان از این ویژگی برای تأکید و حصر بهره برده‌اند. نویسنده اول: «حمد مر خدایی راست» (همان، ص ۹۰). نویسنده دوم: «حمد مر خدا راست» (همان، ص ۴۰۷). «را»ی حرف اضافه و نشانه متمم: نویسنده اول: «مردم تو را بیوفا گویند» (همان، ص ۱۸۵). نویسنده دوم: «خدا ما را امر کرده است» (همان، ص ۴۴۳).

«را»ی فک اضافه: نویسنده اول: «چه چیز مانع شد تو را» (همان، ص ۱۰۲). نویسنده دوم: «اهل بیت را سر و پای برهنه نمود» (همان، ص ۳۵۸).

«را»ی تغییر فعل: نویسنده اول: «مسلم را دختری بود» (همان، ص ۱۶۳). نویسنده دوم: «او را دو زن بود» (همان، ص ۳۵۹).

حرف اضافه مرکب: به کار بردن حرف اضافه مرکب از ویژگیهای رایج زبانی هر دو نویسنده است که در بخش اول



مقتل نمود بیشتری یافته است؛ برای نمونه: «از برای تو اذن گرفته تو را به مقصود برسانم» و یا در نمونه‌های دیگر از بخش دوم مقتل آمده است: «سبب قرار داد از برای هر کس که طالب هدایت شود» (همان، ص ۳۴۳). اسم در معنای صفت: در معدود مواردی نویسندگان اسم را در معنی صفت به کار برده‌اند؛ برای نمونه نویسنده اول ترکیبی نظیر دوستتر را به کار برده است: «در تمام روی زمین دو حبیبی که دوستتر از هر کس بودند» (همان، ص ۶۴). یا نویسنده دوم عجیتر را در معنای عجیتر آورده است: «عجیتر از قصه اصحاب کهف، کشتن من و سر مرا بر نیزه زدن است» (همان، ص ۴۶۴).

صفت و موصوف مقلوب: گاهی نویسندگان صفت را بر موصوف مقدم کرده‌اند. نویسنده اول: «این سعید دوم شهدا در راه امام بود» (همان، ص ۱۰۲). نویسنده دوم: «این بیحیا مردم چه خونی را میریزند» (همان، ص ۳۱۴). تطابق صفت و موصوف: در زبان عربی «صفت با موصوف در افراد و جمع و تذکیر و تأنیث و فروع آن مطابقت میکند» (الشرتونی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۹۲). در زبان فارسی چنین تطابقی وجود ندارد، در حالی که نویسندگان مقتل، تحت تأثیر زبان عربی بارها به این قاعده روی آورده‌اند. نویسنده اول ترکیباتی نظیر «دولت حقه» (همان، ص ۶۵)، آیه مذکوره (همان، ص ۸۵)، نفس محترمه (همان، ص ۷۱) زوجة صالحه (همان، ص ۱۳۰) را به کار برده است. نویسنده دوم: «به مقتضای فطرت خبیثه، باز معاودت نموده، مشغول به اعمال قبیحه خود گردید» (همان، ص ۴۵۰).

الزام به تطابق صفت و موصوف در مفرد و جمع بودن از دیگر تأثیرات زبان عربی است. نویسنده اول: «به بیان ائمه طاهرین این نور، نور یکی از ملائکه کروبیین بود» (همان، ص ۷۸). نویسنده دوم: «مخفی نماناد سیرت ائمه طاهرین» (همان، ص ۳۷۴).

کاربرد وجه وصفی فعل: گاهی هر دو نویسنده بجای آوردن فعل، وجه وصفی به کار برده‌اند. نویسنده اول: «پس شتران خود را به حرکت درآورده، طی مراحل نمودیم» (همان، ص ۱۶۱). نویسنده دوم: «بدن پاره‌پارهاش را با ابدان یارانش انداخته و سرها را بر سر نیزه‌ها کرده، و عیالش را اسیر کنند» (همان، ص ۳۷۸). کاربرد همکرد متفاوت برای فعل مرکب: نویسندگان در کاربرد برخی فعلهای مرکب بجای همکردهای مرسوم، از فعلهای دیگری استفاده کرده‌اند؛ برای نمونه بجای همکرد «زدن» و «خواندن» چنین آمده است: «فریاد کرد که خیمه‌ها را بسوزانیم» (همان، ص ۲۶۰)، «مهلتی بطلبید تا ما نماز کنیم» (همان، ص ۲۶۱). هر دو نویسنده در کاربرد فعلهای مرکبی که با همکرد «کردن» مرسومتر است، بر استفاده از همکرد «نمودن» اصرار دارند و آن را بارها برای شخصیتهای متعدد در جای‌جای اثرشان به کار برده‌اند. نویسنده اول: «طعامی از برای ایشان حاضر نمود تناول نمودند» (همان، ص ۱۳۴). نویسنده دوم: «در غصب شد به قسمی که گویا اراده قتل او نمود» (همان، ص ۴۰۷).

تکرار: تکرار جهت تأکید، ویژگی دیگری است که هر دو نویسنده از آن بهره برده‌اند. نویسنده اول: «جان من فدای جان شما و من بلاگردان شما» (همان، ص ۱۲۶). نویسنده دوم: «آرام باش آرام باش، آیا فراموش نمودی این آیه شریفه را» (همان، ص ۴۹۷).

ترادف‌سازی: آوردن مترادف در متن ویژگی دیگری است که دو نویسنده آن را به کار برده‌اند. نویسنده اول: «نالِه و فغان برآوردند. ... حال وقت گریه و زاری نیست» (همان، ص ۱۳۵). نویسنده دوم: «واهمه و خوف بر من مستولی شد. از خجلت و شرمساری چه کنم» (همان، ص ۳۸۱).

حذف قسمتی از جمله: حذف پاره‌ای از جمله، از دیگر ویژگیهای مقتل مذکور است. در اغلب موارد فعل از جمله

حذف شده است. نویسندگان بیشتر با داشتن قرینه و گاهی بدون قرینه فعل را از جمله حذف کرده‌اند. نویسنده اول: «تفصیل نوشتن باعث دور شدن از مطلب و در همین قدر از اشاره کافی است» (همان، ص ۶۶). نویسنده دوم نیز در این نمونه فعل را با قرینه حذف کرده: «دیدم دیوار خانه منشق و نور عظیمی ظاهر شد» (همان، ص ۳۸۰). جابجایی اجزای جمله: از ویژگیهای رایج شیوه نوشتاری دو نویسنده، جابجا کردن ارکان نوشته است. این رویکرد اغلب به دلیل اهمیت اجزایی است که مقدم شده؛ نظیر: «احیا نماید امر ما را. خدا رحمت کند کسی که احیا کند امر ما را» (همان، ص ۵۳). چون فعل اهم از مفعول است، بر آن مقدم شده است. در بخش دوم کتاب هم نمونه‌هایی به نسبت کمتر از جابجایی اجزای جمله وجود دارد که اهمیت جزء متقدم را نشان میدهد؛ مانند: «کشتید فرزندان رسول خدا و فاطمه زهرا (ع) را و بر خود امیر کردید پسر مرجانه را» (همان، ص ۴۰۲).

دلیل دیگری که در جابجایی اجزای جمله وجود دارد، ترجمه تحت‌اللفظی ابیات و عبارات عربی است؛ برای نمونه نویسنده اول، عبارت زیر را چنین ترجمه کرده: «تَبَّأ لَكُمْ أَيُّهَا الْجَمَاعَةُ وَ تَرَحَّأ حِينَ اسْتَضْرَحْتُمُونَا. ... هلاک شوید و از اعتبار بیفتید ای جماعت که ما را به فریاد و حسرت درآوردید» (همان، ص ۲۲۴). در نمونه‌ای دیگر نویسنده دوم هم عبارت را تحت‌اللفظی ترجمه کرده است: «آن حضرت فرمود: كَانَ لِي أُخٌ يُسَمِّي عَلِيًّا فَقَتَلَهُ النَّاسُ بِرَادِرِي دَاشْتَمِ اسْمَشِ عَلِي، ملازمان تو او را کشتند» (همان، ص ۳۸۴).

اطناب: هرچند در اغلب موارد، عبارتهای مقتل از جملات کوتاه تشکیل شده‌اند، گاه نویسندگان عبارتهایی را به شیوه اطناب بیان میکنند. این شیوه نزد نویسنده اول با آوردن وجه وصفی بجای فعل مرسومتر است؛ برای نمونه: «گویا تصریح نکردن او از برای یزید به این مطلب و ذکر فضایل حضرت را نمودن، از این باب بود که مبادا از راه غرور قبول نکنند و ملتفت نکته‌ای که مقصود او است، نشود» (همان، ص ۷۰). آوردن وجه وصفی و حروف عطف، سبب طولانی شدن جملات شده و درک معنا را دشوار ساخته است. نویسنده دوم نیز گاه بجای جملات کوتاه، با طولانی کردن عبارات درک معنا را دشوار ساخته؛ نظیر: «از حدیث امیرالمؤمنین، مجملاً به دست آمد اینکه به جهت علو مقام صبر اهل بیت، حضرت رب‌العزّة، بلیات وارده بر ایشان را بر هیچ‌یک از مقربان درگاهش وارد نیامورد» (همان، ص ۳۷۸).

استفاده از ترکیبات عربی در متن: کاربرست ترکیبهای عربی به فراخور متن، از دیگر ویژگیهای نویسندگان مقتل مذکور است که نویسندگان برای نشان دادن عربدانی یا تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب آورده‌اند. گاه این ترکیبات جنبه توصیفی برای اشخاص نیز دارند. نویسنده اول: «بر الحاح و التماس علیا مکرمه زینب، در قتلگاه ترحم نمودند» (همان، ص ۱۰۲). نویسنده دوم: «پس مرد طویل‌القامه مرطوبی ظاهر شد» (همان، ص ۵۲۴).

آوردن جملات عربی با ترجمه: هر دو نویسنده در جای‌جای مقتل مذکور به ضرورت یا برای زینت کلام، عبارتهایی عربی در قالب نظم یا نثر آورده و در اغلب موارد خود را ملزم به ترجمه آن کرده‌اند؛ برای نمونه: «مِیْكَفَت: اللَّهُمَّ احْكُم بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِ غُرُونَا وَ كَذَّبُونَا وَ خَدَّلُونَا، خداوندا حکم کن میان ما و جماعتی که ما را مغرور کردند و با ما دروغ گفتند و ما را تنها و بی‌یاور گذارند» (همان، ص ۱۲۱). نویسنده دوم این شیوه را به همین سبک و سیاق ادامه داده است؛ نظیر: «شمر داخل شد و خواند مصرع سابقه: وَأَكْرَمَ النَّاسِ جَمِيعاً حَسْباً. کشتم کسی را که از جمیع مردم نجیبتر بود» (همان، ص ۴۹۲). نمونه‌های اندکی هم وجود دارد که نویسندگان از ترجمه به دلیل سهولت چشم پوشیده‌اند.

با وجود اشتراکات زیاد نویسندگان در سطح نحوی در دو مورد اختلاف داشتند:

استفاده از ضمیر او برای غیرجاندار: تنها نویسنده اول است که بارها بجای استفاده از ضمیر «آن» برای غیرجاندار

از ضمیر «او» بهره برده است؛ از جمله برای جهنم و قح، ضمیر جاندار ذکر کرده است: «تا اینکه وارد جهنم شوی و از حمیم او بیاشامی... آب در قح ریخت و او را به دست آن جناب داد» (همان، ص ۱۱۶).  
استفاده از فعل یک‌شناسه: نویسنده دوم هم بندرت از فعل یک‌شناسه استفاده کرده است؛ برای نمونه: «بیش از این نمیتوانم گفت» (همان، ص ۳۴۶).

### سطح ادبی

سطح ادبی از دیگر سطوح سه‌گانه سبک‌شناسی است و شگردهای بلاغی «چه از نوع لفظی و چه نوع معناییش، هر دو در شمار اصلیت‌ترین تمهیدات سبکیند» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۴۴). هر چند مقتل مذکور به فراخور موضوعش بیان ادبی غالبی ندارد، در بررسی سطوح چندگانه این مقتل درمیابیم که صیغه ادبی نیز یافته است. مقتل مذکور تنها با هدف تاریخنگاری نوشته نشده است و در بخشهایی که با اشعار عربی آمیخته شده یا نویسندگان برای زینت کلام و بیان افکار و احساسشان به زبان ادبی روی می‌آورند، صیغه ادبی نیز مییابد. زبان ادبی نیز «زبانی است مخیل و تصویری؛ یعنی مرکب از تشبیه و استعاره و مجاز و... است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۳۸). زبان با آمیختن به عناصر خیال‌انگیز و شگردهای ادبی، جلوه ادبی مییابد و «بسیاری از صنایع معنوی بدیع مثل ایهام، مراعات نظیر، تضاد، تلمیح، حس‌آمیزی و... در حوزه این موسیقی (موسیقی معنوی) گنجانده میشود» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۳). در ادامه شگردهایی معنایی که در مقتل مذکور ظهور یافته‌اند، بررسی میشوند.

**تشبیه:** تشبیه مهمترین و پرتکرارترین عنصری است که به این مقتل تاریخی، صیغه ادبی بخشیده است. این شبیهات اغلب، تشبیهات مفصلیند که برای روشنتر شدن مطلب، ترسیم فضای جنگ، شخصیتها، انتقال عقاید و عواطف نویسندگان به کار رفته‌اند؛ نویسنده اول در وصف صحنه‌های نبرد آورده: «براستی که این تیرها قاصدهای این قومند به سوی شما» (همان، ص ۲۳۶) نویسنده دوم هم شدت جنگ را در قالب تشبیه اینگونه بیان کرده: «لشکر را متفرق و طوماروار به هم پیچید» (همان، ص ۳۱۵).

**استعاره:** استعاره از عناصر تصویرساز در مقتل مذکور است که هر دو نویسنده از آن بهره برده‌اند؛ نویسنده اول سگ را استعاره از دشمن امام (ع) گرفته است: «بیرون آمد مانند شیر ژبان رو به آن سگ و روبه‌صفتان نهاد» (همان، ص ۱۱۱). نویسنده دوم نیز با همین استعاره از لشکریان ابن زیاد یاد کرده: «خوف مکن و شمشیر مرا به من برسان. پس آن سگها را از خود دفع مینمود» (همان، ص ۴۲۱).

**مجاز:** مجاز از دیگر عناصر مخیل در مقتل مذکور است که هر دو نویسنده از آن بهره برده‌اند؛ برای نمونه نویسنده اول «فردا» را با ذکر جزء و اراده کل در معنای «آینده» به کار برده است: «یا مثل فردایی بیرون بیاید» (همان، ص ۱۱۵). نویسنده دوم نیز با علاقه لازمیت و ملزومیت، خون را در معنای کشتن به کار برده است: «تقرب جویم به خدا در ریختن خون تو» (همان، ص ۴۲۳).

**جانبخشی:** تشخیص از دیگر جلوه‌های عناصر مخیل در نزد هر دو نویسنده است؛ برای نمونه نویسنده اول با خطاب قرار دادن آسمان و زمین جاندارپنداری کرده است: «فدای آسمان، چرا سرنگوش نگشتی! و ای زمین، چرا اهلت را فرونبردی؟» (همان، ص ۱۲۴).

**اغراق:** اغراق لازمه توصیف صحنه‌های دردناک و خوف‌انگیز جنگ و جهاد نزد هر دو نویسنده است؛ نویسنده اول: «آن مظلوم از جراحت بدن مبارکش پر شد. مانند خارپشت از کثرت تیر، پر برآورده بود» (همان، ص ۱۱۲). نویسنده دوم: «ضربی که سفید میشود از شدت او موی سر طفل شیرخوار» (همان، ص ۳۰۹).

**کنایه:** کنایه از دیگر جلوه‌های بلاغی مورد استقبال هر دو نویسنده است؛ برای نمونه، نویسنده اول آشکار شدن امور را با کنایه پرده برداشتن بیان کرده: «پرده از روی کار برداشته شد» (همان، ص ۱۶۳). نویسنده دوم هم تأثیرپذیری بسیار را با کنایه مو بر بدن راست شدن توصیف کرده است: «آیه مذکوره را تلاوت میفرمود، مو بر بدنم راست شد» (همان، ص ۴۱۵).

**تضاد:** تضاد از دیگر جلوه‌های بلاغی پرکاربرد نزد هر دو نویسنده است؛ برای نمونه، نویسنده اول با کلمات دنیا و آخرت تضاد معنایی ایجاد کرده است: «دعای ایشان را مستجاب میفرماید و مأمّن ایشان در دنیا و آخرت...» (همان، ص ۸۷). نویسنده دوم نیز با افعال تقابل معنایی ایجاد کرده است: «گروهی نادان و جاهل میخندیدند و بعضی گریه میکردند» (همان، ص ۴۳۶).

**تنسیق الصفات:** گاه نویسندگان صفتهای پیاپی برای اشخاص ایجاد کرده‌اند؛ برای نمونه، نویسنده اول در توصیف یزید آورده است: «یزید مردیست فاسق و شارب خمر و قاتل نفس محترمه و متجاهر به فسق» (همان، ص ۷۱). حضرت زینب (س) در خطابه‌ای طولانی تنها گزاره‌های وصفی به کار برده و تنسیق الصفات ایجاد کرده: «منم فرزند قاتل ناکثین و مارقین و قاسطین و حامی اسلام و مسلمین و اول سابقین و براندازنده مشرکین و تیغ زهرآلود خدا بر منافقین و...» (همان، ص ۵۰۸).

**تضمین:** هر دو نویسنده کلام خود را به آیات قرآن و احادیث بویژه آیات آراسته‌اند؛ نویسنده اول: «خداوند در کتاب عزیز خود میفرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ (قرآن کریم، ۴۱/۲۸)» (همان، ص ۱۷۵). نویسنده دوم: «با اینکه خدایش: «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ» (قرآن کریم، ۲۰: ۸۱) مطاع ثم امنیش خوانده» (همان، ص ۳۹۹).

**تلمیح:** از دیگر جلوه‌های بلاغی است که نویسندگان برای بیان اندیشه‌های خود از آن بهره گرفته‌اند. برای نمونه، نویسنده اول به داستان حضرت یحیی (ع) اشاره داشته است: «فرمود: یا ابا عبدالرحمن از پستی و خواری دنیا بود که سر حضرت یحیی بن زکریا را از برای زناکاری از زناکاران بنی اسرائیل بریدند» (همان، ص ۱۴۶). نویسنده دوم هم به ماجرای اصحاب کهف اشاره کرده است: «به خدا درست گفت اصحاب کهف را اگر چه خداوند کریم آیه عظیمه از برای اهل زمان دقیانوس و ما بعد آن قرار داد، که بعد از صد سال زنده شوند» (همان، ص ۴۱۵).

**تناسب:** مراعات نظیر و تناسب از دیگر عناصر بلاغی است به اثر مذکور صبغه ادبی بخشیده است؛ برای نمونه نویسنده اول در توصیف نبرد از تناسب بهره برده است: «گاهی بر میمنه و گاهی بر میسره و گاهی بر قلب میتاخت... آن شجاع نامدار میزد و میکشت و میجوشید و میخروشید» (همان، ص ۲۵۰). نویسنده دوم هم برای توصیف جزئیات حالات و نبرد از تناسب بهره برده است: «بگذارید خون این ابدان را با آستین پاک کنم و مو و سر خود را با آن رنگین نمایم. به خون مردانی که به شمشیر جفا ایشان را نحر مینمایند» (همان، ص ۳۵۳).

**تکرار:** نویسندگان برای تأثیرگذاری بر مخاطب و بیان تأثر از تکرار بهره برده‌اند؛ برای نمونه، نویسنده اول با تکرار کلمه «آه» اندوهش را به مخاطب منتقل کرده است: «آه آه! این صدای حزین به گوش امام مبین رسید» (همان، ص ۳۰۰). یا نویسنده دوم برای تأثر بر مخاطب از کلمه «زارزار» استفاده کرده است: «فغان و ناله برمی‌آوردند و زار زار میگریستند» (همان، ص ۳۸۳).

**ضرب‌المثل:** هر دو نویسنده ضمن نمایاندن عربی‌دانی خود، برای ملموس ساختن مطلب، از ضرب‌المثلهای عربی بهره برده‌اند. نویسنده اول: «آن ملعون چون هانی را دید مثل معروف را گفت: ایتیک الخائن رجلاه: شخص

خیانتکاری را دو پای او نزد تو آورد» (همان، ص ۱۰۳). نویسنده دوم: «ملعون بی‌ادبانه در بیان مصلحت، به مثل معروف بین عرب تعبیر کرد و گفت: «لا تأخذ من کلب سوء جروا». از سگ بد توله مگیر» (همان، ص ۵۰۲).  
**پارادوکس:** متناقض‌نمایی عنصری بلاغی است که فقط نویسنده اول از آن بهره برده است و در توصیف دنیا آورده: «دنیا شیرین آن تلخ و تلخ آن به منزله خوابی و بیداری در آخرت است» (همان، ص ۲۱۱). در سایر عنصرهای بلاغی نویسندگان عملکردی مشابه داشته‌اند.

### سطح فکری

سطح فکری در کنار سطح زبانی از مهمترین سطوح سبک‌شناسی به شمار میرود تا بدانجا که معتقدند «سبک نویسنده، همانا جهان‌بینی وی است در قالب تصویر و بوسیله زبان» (خرایچنکو، ۱۳۶۴: ۹۶)؛ از این روی پیوند زبان و ایدئولوژی ناگسستنی است و «مذهب تأثیرات خاص خود را بر زبان اعمال میکند» (قاسمی، ۱۳۹۳: ۵۳). رویکرد فکری غالب نویسندگان، رویکردی مذهبی است. هرچند گاهی نویسندگان عباراتی عاطفی نیز به کار برده‌اند؛ اما در مجموع دو اثر خود نگاهی واقعگرا دارند و «واقعگرایی کوششی است در تصویر کامل حقیقت» (ابومحجوب، ۱۳۹۵: ۱۸۷). این نگاه، لازمه روایتی تاریخی است. نویسندگان در جهان‌بینی اثرشان مباحثی مطرح کرده‌اند که یا مشترک هستند و یا در یک سمت‌وسویند. دسته نخست از افکار نویسندگان بگونه‌ای است که تکرار میشود. دسته دیگر از لایه‌های فکری موجود در مقتل بگونه‌ای است که با وجود تنوع و تفاوت، منافات یا تعارضی با یکدیگر ندارند. هر دو نویسنده بنمایه‌های فکری مشترک بسیاری دارند که اهم آنها عبارتند از: اقرار به توحید و بعثت، تسلیم مشیت خدا بودن، اعتقاد به جان پسین، فناء فی‌الله، شهادت‌طلبی، مقام صبر، بی‌اعتباری دنیا، حب اهل بیت (ع) و... که در ادامه بررسی میشوند.

اقرار به توحید و بعثت: اقرار به وحدانیت خدا و رسولش از جمله ارزشهای اعتقادی مشترک نزد دو نویسنده است؛ نویسنده اول: «شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت رسالت پناه است» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا، ص ۱۱۹). نویسنده دوم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ خَدْيِ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ» (همان، ص ۴۹۶).  
تسلیم مشیت خدا بودن: راضی به قضا و مشیت الهی از بنمایه‌های فکری دو نویسنده است؛ نویسنده اول: «مفارقت از راه راست نمیکند تا حق - تعالی - قضای خود را جاری فرماید» (همان، ص ۸۴). نویسنده دوم: «پس خدا را حمد کردم و راضی شدم به قضای او» (همان، ص ۳۷۱).

اعتقاد به جهان پسین: اعتقاد به جهان آخرت از دیگر مضمونهای مشترک است؛ نویسنده اول: «او را گردن زد و روحش به سوی جنان پرواز نمود» (همان، ص ۱۲۳). نویسنده دوم: «تا اینکه خدای متعال او را به درک اسفل برد» (همان، ص ۳۲۳).

فناء فی‌الله: شهادت در راه حق با تعبیر عرفانی فناء فی‌الله آمده است؛ نویسنده اول: «حقیقت عبودیت فناء در راه معبود و از غیر او گذشتن است» (همان، ص ۵۱). نویسنده دوم: «خود آن وجود مقدس در عالم فناء فی‌الله خواست دیگر علقه دار فانی نداشته باشد و از هر چیز غیر حق بود گذشته باشد» (همان، ص ۳۱۱).

شهادت‌طلبی: جهادگری و شهادت‌طلبی از جمله ارزشهای مشترک نزد هر دو نویسنده است؛ نویسنده اول: «آن جناب هم تعجیل در رسیدن به درجه رفیعۀ شهادت داشت» (همان، ص ۲۹۸). نویسنده دوم: «یک‌یک روانه شدند تا اینکه به درجه رفیعۀ شهادت رسیدند» (همان، ص ۳۱۳).

مقام صبر: ارزش و جایگاه صبر از دیگر مضمونهای مشترکی است که دو نویسنده به آن پرداخته‌اند؛ نویسنده اول: «وصیت میکنم شما را به صبر و تقوی» (همان، ص ۲۱۱). نویسنده دوم: «بر قضیهٔ اسیری و سایر مصایب سیدالسادین (ع) تعجیبی نداشته باشند، غیر از مقام صبر و رضای آن بزرگوار و سایر اهل بیت اطهار (ع)» (همان، ص ۴۲۷).

بی‌اعتباری دنیا: از دیگر مضامین فکری مشترک نویسندگان مقتل، بی‌اعتباری دنیاست؛ نویسنده اول: «از بی‌اعتباری مال دنیا و عقاب اخروی به خاطرش آورد» (همان، ص ۱۳۶). نویسنده دوم: «مگر محض کفر و طغیان و غرور به دو روزه بی‌اعتبار دنیا» (همان، ص ۴۷۶).

حب اهل بیت (ع): از دیگر ارزشهای اعتقادی مشترک نزد هر دو نویسنده است؛ نویسنده اول: «ماییم حزب‌الله هم غالبون و عترت حضرت رسول (ص) اقرب به ویمیم و اهل بیت طیبین واحد ثقلین که رسول خدا (ص) ما را ثانی کتاب‌الله قرار داده» (همان، ص ۶۶). نویسنده دوم: «دوست داشته باش، دوست آل محمد را و دشمن داشته باش، دشمن ایشان را» (همان، ص ۵۵۳).

مظلومیت امام و یارانش: مظلومیت حضرت (ع) و یارانش از دیگر مضمونهای مشترک فکری هر دو نویسنده است؛ نویسنده اول: «محمدبن حنفیه سخن را قطع نمود و بسیار گریست و آن امام مظلوم نیز گریست» (همان، ص ۷۵). نویسنده دوم: «پس آن ملعون به دوازده ضربه سر آن امام مظلوم را از تن جدا نمود» (همان، ص ۳۲۱). منور و متبرک بودن پیکر امام: هر دو نویسنده در جای‌جای اثر خود به متبرک بودن اجزای پیکر امام (ع) اشاره داشته‌اند؛ نویسنده اول: «از تو استعدا دارم چون خدمت امام برسی به نیابت من دست و پای مبارکش را ببوسی» (همان، ص ۲۶۴). نویسنده دوم: «روی منورش از خون سرخ شده و محاسن شریفش به خون خضاب گشته» (همان، ص ۳۵۱).

اهمیت نماز: هر دو نویسنده بر اهمیت نماز تأکید ویژه‌ای داشته‌اند؛ نویسنده اول در عاشورا از ابوتمامه صداوی نقل کرده: «از این کافران مهلتی بطلبید تا ما نماز کنیم» (همان، ص ۲۶۲). نویسنده دوم: «آن بزرگوار فرمود: خبر داد مرا، پدرم از جدم، که آن حضرت در وقتی که نماز صبح را بجا می‌آوردند و فارغ میشد، با احدی تکلم نینمود تا اینکه برمیداشت تسبیح را که در پیش روی او بود» (همان، ص ۵۳۸).

شجاعت و رجزخوانی: شجاعت از جنبه‌های غالب فکری است که گاه به اثر صبغهٔ حماسی بخشیده است. این جلوه اغلب با سنت رجزخوانی همراه است که هر دو نویسنده به آن توجه داشته‌اند. نویسنده اول: «مرا مرخص فرما تا به میدان کارزار روم. فرمود: برو، خدا سعی تو را مشکور گرداند. پس رجزخوان رو به میدان نهاد» (همان، ص ۲۶۷). نویسنده دوم: «شمشیر را به دست چپ گرفت و حمله بر آن ناکسان مینمود. به روایت ابی مخنف رجز میخواند» (همان، ص ۳۱۶).

مذمت عهدشکنی: هر دو نویسنده شکستن عهد و پیمان را سرزنش کرده‌اند؛ نویسنده اول: «وای بر شما ای اهل کوفه، آیا فراموش کرده‌اید نوشته‌ها و عهدهای خود را که از برای او فرستادید و خدا را در آن شاهد گرفتید» (همان، ص ۲۲۲). نویسنده دوم: «با او بیعت نمودید و در آخر با او جنگیدید، و دشمنان را بر او مسلط کردید. پس لعنت بر شما باد» (همان، ص ۳۹۲).

قساوت قلب: نویسنده اول در بیان قساوت قلب سپاهیان یزید از جمله ابن زیاد میگوید: «او به مرتبه‌ای قساوت قلب داشت که به هیچ وجه بر حال اهل بیت رقت ننمود» (همان، ص ۱۱۹). نویسنده دوم نیز بر قسی‌القلب بودن اهل یزید تکیه دارد: «به جهت خوش آمد یزید بی‌دین، هر یک به قدر اقتضای قساوت قلب و شقاوتش در مقام

اذیت برمی‌آمده‌اند» (همان، ص ۴۸۳).

نویسندگان هر بخش، پاره‌ای دیگر از نمودهای فکریشان را نمایان ساخته‌اند که نشان از استقلال فکری آنهاست؛ هرچند که این عقاید تعارض و منافاتی با دیدگاه یکدیگر ندارد؛ برای نمونه نویسنده اول به حقیقت کعبه و شأن امامت اشاره دارد:

حقیقت کعبه: نویسنده اول درباره حقیقت کعبه و زیارت آن چنین آورده: «ابتدای این سفر اول سیر الی‌الله آن حضرت بود که از علاقه وطن ظاهری قطع نظر فرمود و رو به کعبه نهاد که بیت‌الله ظاهری است به جهت رسیدن به کعبه مقصود» (همان، ص ۸۶).

حقیقت و شأن امامت: نویسنده اول درباره حقیقت امامت چنین آورده: «خداوند عالم، زمین خود را هرگز از خلیفه خالی نگذاشته و همیشه از برای بندگان دلیل و هادی مقرر فرموده» (همان، ص ۹۷). و در بیان شأن امامت ذکر کرده: «شأن امام، هدایت خلق است به سوی حق، کل علی حسب مرتبه و استعداد» (همان، ص ۲۰۹).

نویسنده دوم نیز بر پاره‌ای دیگر از ارزشهای اعتقادی و دینی تأکید داشته است: ابتلا برای امتحان: گرفتاری برای امتحان الهی مضمونی است که نویسنده دوم به آن پرداخته است: «هدایت ایشان مر خلق را، به طریق راهنمایی و دلالت، که خارج از طریقه ابتلا و امتحان نباشد» (همان، ص ۳۷۴). ارزشهای اعتقادی: گاهی نویسنده دوم به پاره‌ای از ارزشهای اعتقادی اشاره دارد: «شهادت میدهم که نماز را برپا داشتید و زکوة دادید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و جهاد نمودید با ملحدین و عبادت حق نمودید تا تحصیل یقین کردید» (همان، ص ۵۵۲).

شگرد بلاغی	تشبیه	تضاد	ضمین	تکرار	تناسب	اغراق	تشخیص	تسبیح الصفات	استعاره	تلمیح	مجاز	پارادوکس	ضرب‌المثل و ضرب‌المثل و
فراوانی	۱۷۳	۹۱	۹۰	۷۷	۵۷	۴۴	۳۷	۲۹	۲۷	۲۳	۱۳	۴	
درصد	۲۴٪	۱٪	۱۴٪	۱٪	۹٪	۷٪	۶٪	۴٪	۴٪	۳٪	۲٪	۱٪	

جدول ۲: فراوانی شگردهای بلاغی

سطح	آوایی	لغوی	نحوی	فکری	ادبی
فراوانی	۴٪	۱۱٪	۳۴٪	۳۲٪	۱۹٪

جدول ۳: فراوانی سطوح چندگانه سبکی

### نتیجه‌گیری

شیوه‌ها و رویکردهای مختلفی برای بررسی شاخه‌های تاریخنگاری از جمله مقتلهای وجود دارد. سبک‌شناسی بستر شناخت لایه‌های زبانی، فکری و ادبی هر اثر را هموار ساخته است و مطالعات سبک‌شناسه، رویکردی سازنده در شناساندن بهتر آثار تاریخی-ادبی به شمار می‌رود. مقتل سرالأسرار اثری تاریخی-ادبی است که مرگ مؤلف آن را نیمه‌تمام گذاشت و فرزندش آن را به سیاق پدر به پایان رساند. سرالأسرار از منظر درک مطلب، سبکی بینابین یا مرسل مغلق دارد که با زبانی گزارشی-توصیفی برای موضوعی مذهبی-تاریخی به کار رفته است. نویسندگان اثر، متناسب با موضوع که رویدادی تاریخی است، شیوه «واقع‌گرایانه» را انتخاب کرده‌اند و کوشیده‌اند حوادث، شخصیتها و پدیده‌های مختلف حتی ناخوشایند جنگ را همانگونه که هست، توصیف کنند و این شیوه، لازمه نوشتارهای تاریخی است.

در لایه زبانی دریافتهای عناصر موسیقایی محدودی در سطح آوایی با هدف تأثیرگذاری و توجه بر مخاطب بروز یافته‌اند و توجه چندانی به این سطح نشده است؛ اما در سطوح لغوی و نحوی، عناصر شاخصی وجود داشت که جلوه‌ای کهن‌گرایانه به متن داده است؛ اما آنچه نثر این کتاب را از زبان مرسل دور ساخته، تأثیر نویسندگان از زبان عربی است. این تأثیرات خود را در سطوح لغوی و نحوی به شکلهای مختلفی نشان داده است. استفاده از لغات دشوار عربی، کثرت لغات عربی، جمع مکسر، تطابق صفت و موصوف، صفت و موصوف جمع از جمله این نمودهاست. آوردن عبارتهای عربی و بویژه استشهاد از آیات و احادیث، جلوه‌های دیگری از عربیدانی نویسندگان در مجموع برای تأیید و تأکید کلام یا آرایش آن به کار رفته‌اند.

در سطح فکری نیز ضمن بیان واقعیهایی حوادث عاشورا و وقایع پیش و پس آن، مضامین و ارزشهای دینی نویسندگان بیان شده است. از آنجا که نویسندگان برای بیان اندیشه‌ها و عواطفشان یا زینت کلام به زبان ادبی روی آورده‌اند، این مقتل جنبه ادبی نیز یافته است. بروز عناصر مختل و تصویرساز در مقتل مذکور، صیغه ادبی نیز به آن بخشیده است و در سطح ادبی نیز پرتکرارترین عنصر تصویری، تشبیه است که در خدمت بیان عواطف و عقاید نویسندگان و روشن کردن مطلب برای مخاطب آمده است. سایر شگردهای ادبی با وجود آنکه حضور چشمگیری ندارند، از آنجا که در خدمت اثری تاریخی آمده‌اند، در عباراتی، زمینه‌ای را فراهم آورده‌اند که به اثر صیغه ادبی می‌بخشند.

نویسندگان در هر سه سطح سبک و سیاق نوشتاری یکدست و واحدی دارند؛ اما در سطح زبانی تکیه نویسنده اول بر موسیقی بیرونی بیش از نویسنده دوم است. در لایه لغوی، نویسنده اول گاه کلمات را در معنای ویژه‌ای به کار برده است؛ در حالی که با هنجارگریزی واژگانی در کلام نویسنده دوم روبرو هستیم. در سطح فکری نیز ضمن وحدت اندیشه هر دو نویسنده، گاه هر یک با استقلال فکری، مضامین اعتقادی دیگری را نیز مطرح کرده‌اند که منافاتی ندارند. در سطح ادبی نیز بیشترین وحدت نوشتاری را از نویسندگان می‌بینیم.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از طرح پسادکتراسرکار خانم دکتر سحر یوسفی با عنوان «سبک‌شناسی لایه‌های سه‌گانه در مقتل تاریخی-ادبی سرالأسرار» در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه استخراج شده است و آقای دکتر محمدابراهیم مال‌میر نیز با تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی در این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.



### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی کرمانشاه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

The Holy Quran.

Abu Mahjoub, A. (2015). Prose body analysis, Tehran: Mitra, p.187.

Amini, A. (1992). The noble culture of thought and literature in Najaf, Beyroot, p.373.

Asgari, A. and Rifat, M. (2020). "Rereading and Pathology of Imam Hossein's (AS) Fighting Types and Styles". *The history of Islamic culture and civilization*. 11 (39), pp 47-76.

Bahar, M. (2001). Stylology or history of the development of Persian prose. first volume. Tehran: AmirKabir, p.16.

Divsalar, F. and et.al. (2017). "A stylistic analysis of the mourning of Imam Hossein (a.s.) in the poetry of Ahmed Waeli and Qaisar Aminpour". *Exploration of comparative literature*. 7 (27), pp 65-84.

Ebadian, M. (1989). An introduction to style and stylistics in literature. Tehran: Academic Jihad Publications, p. 47.

Fotuhi Roud-Moajnai, M. (2016). Stylistics: theories, approaches and methods. Tehran: Sokhan, p. 344.

Genet, J. (2013). Imagination and expression: Linguistic criticism. Translated by Allah Shukr Asadollahi. Tehran: Sokhan, p.175.

Ghasemi, Z. (2014). Literary style from the perspective of linguistics. Tehran: AmirKabir, pp 19-53.

Gholamrezaei, M. (1998). The stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamlu. Tehran: Jami, p. 11.

Hosseinian Moghadam, H. (2016). "A complete biography of the martyrdom writer based on the martyrdom writers of the Companions of the Infallible Imams". *The history of Islamic culture and civilization*. 7 (23), pp 87-110.

- Jalili-Kermanshahi, A. and Jalili-Kermanshahi, M. (no date). Ser al-Asrar fi Mosibate Abi al-Imam al-Athar (a.s.). Correction, revision and commentary by M. Malmir and M. Moradi Karkhaneh. Kermanshah: Shiftegan Kamal Institute.
- Khatibi, H. (2010). The art of prose in Persian literature. Tehran: Zavvar, pp 198-431.
- Khraychenko, M. (1985). The author's creative individuality and the evolution of literature. Azima's Nazi translation. Tehran: Agah, p. 96.
- Mohseni, A. (2003). Poem line and music. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad, p.4.
- Rastgar Fasaee, M. (2010). Types of Persian prose. Tehran: Samt, p. 112.
- Shamisa, S. (1996). Generalities of stylistics. Tehran: Ferdous, p. 38.
- Shamisa, S. (2007). Poetry stylistics. Tehran: Mitra, p. 13.
- Shamisa, S. (2008). Expression. Tehran: Mitra, pp 153-155.
- Shamisa, S. (2014). Prose stylistics. Second edition. Tehran: Mitra, pp 59-256.
- Sharif Razi, M. (2014). The treasure of scientists. The sixth volume. Tehran: Islamic bookstore, p. 364.
- Shartoni, R. (2010). Translation and guide to the basics of al-Arabiya. Translated by M. Shariat. The fourth volume. Tehran: Asatir, p. 92.
- Sobhani, J. (2020). Encyclopedia of classes of jurists. Scientific Committee of Imam Sadeq Institute (AS). Qom: Imam Sadeq Institute (AS), p. 825.

### فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- ابومحجوب، احمد. (۱۳۹۵). تحلیل کالبد نثر، تهران: میترا، ص ۱۸۷
- الأمینی، الشیخ هادی. (۱۴۱۳ ه.ق). معجم رجال الفكر والأدب فی النجف، بیروت، ص ۳۷۳.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۰). سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، جلد اول. تهران: امیرکبیر، ص ۱۶.
- جلیلی کرمانشاهی، شیخ عبدالرحیم و جلیلی کرمانشاهی، محمدهادی. (بی تا). سرالأسرار فی مصیبةً أبی الأئمة الأطهار (ع)، تصحیح، تحشیه و تعلیقةً محمدابراهیم الممیر و محمدعلی مرادی کارخانه. کرمانشاه: مؤسسه شیفتگان کمال.
- حسینیان مقدم، حسین. (۱۳۹۵). «سیر تکاملی مقتل‌نگاری با تکیه بر مقتل‌نگاران اصحاب امامان معصوم»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. (۲۳) ۷، صص ۷۸-۱۱۰.
- خرایچنکو، میخائیل. (۱۳۶۴). فردیت خلاق نویسنده و تکامل ادبیات، ترجمه نازی عظیمیا. تهران: آگاه، ۹۶
- خطیبی، حسین. (۱۳۹۰). فن نثر در ادبی فارسی، تهران: زوّار، صص ۱۹۸-۴۳۱.
- دیوسالار، فرهاد و همکاران. (۱۳۹۶). «بررسی سبک‌شناختی رثای امام حسین (ع) در شعر احمد وائلی و قیصر امین پور»، کاوشنامه ادبیات تطبیقی. (۲۷) ۷، صص ۸۴-۶۵.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۹). انواع نثر فارسی، تهران: سمت، ص ۱۱۲.
- ژنت، ژرار. (۱۳۹۲). تخیل و بیان: نقد زبان‌شناختی، ترجمه الله‌شکر اسداللهی. تهران: سخن، ص ۱۷۵.

- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۲). موسوعه طبقات الفقهاء، اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق (ع). قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ص ۸۲۵.
- الشرتونی، رشید. (۱۳۸۹). ترجمه و راهنمای مبادی‌العربیة، ترجمه محمدجواد شریعت. جلد چهارم. تهران: اساطیر، ص ۹۲.
- شریف رازی، محمد. (۱۳۹۳). گنجینه دانشمندان، جلد ششم. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ص ۳۶۴.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۵). کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس، صص ۱۵۳-۱۵۵.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی شعر، تهران: میترا، ص ۱۳.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). بیان، تهران: میترا، ص ۳۸.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی نثر، ویراست دوم. تهران: میترا، صص ۵۹-۲۵۶.
- عبادیان، محمود. (۱۳۶۸). درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی در ادبیات، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۴۷.
- عسگری، انسیه و رفعت، محسن. (۱۳۹۹) «بازخوانی و آسیب‌شناسی گونه‌ها و سبکهای مقاتل امام حسین (ع)»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. (۳۹) ۱۱، صص ۷۶-۴۷.
- غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، تهران: جامی، ص ۱۱.
- فتوحی رودمجنی، محمود. (۱۳۹۵)، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن، صص ۳۴۴.
- قاسمی، ضیاء. (۱۳۹۳). سبک ادبی از دیدگاه زبانشناسی، تهران: امیرکبیر، صص ۱۹-۵۳.
- محسنی، احمد. (۱۳۸۲). ردیف و موسیقی شعر، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۳.

#### معرفی نویسندگان

**محمدابراهیم مالمیر:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
(Email: [dr\\_maalmir@razi.ac.ir](mailto:dr_maalmir@razi.ac.ir); نویسنده مسئول)

**سحر یوسفی:** پژوهشگر پسادکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
(Email: [sahar.yosefi69@gmail.com](mailto:sahar.yosefi69@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Mohammad Ebrahim Malmir:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.  
(Email: [dr\\_maalmir@razi.ac.ir](mailto:dr_maalmir@razi.ac.ir); Responsible author)

**Sahar Yosefi:** Postdoctoral Researcher, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.  
(Email: [sahar.yosefi69@gmail.com](mailto:sahar.yosefi69@gmail.com))